

امنیت اجتماعی از منظر فقه شیعه

(مبانی و راهکارها)

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۸/۲۲

(صص ۵۳ - ۲۹)

حسین حاج محمدی^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین نیازهای اولیه انسان، داشتن امنیت در تمامی جنبه‌های فردی و اجتماعی است. بی تردید هر مکتب فکری برای تأمین این نیاز، مبانی و راهکارهایی را ارائه داده است. مکتب اسلام نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در این زمینه مطالب و مسائل گسترده‌ای را طرح نموده است. در این راستا، فقه شیعه به عنوان تبلور عملی آموزه‌های دینی، توجه ویژه‌ای به مسئله امنیت اجتماعی نموده است. با توجه به آنچه گفته شد، مسئله‌ی اصلی این نوشتار، بررسی و تبیین مبانی امنیت اجتماعی در فقه شیعه و راهکارهای تحقق آن در جامعه می‌باشد. بدین منظور ابتدا با بررسی آیات و روایات موجود در این زمینه، جایگاه و مبانی این مسئله تبیین گردیده و سپس راهکارهای تحقق آن در جامعه از منظر فقه بیان شده است و این نتیجه حاصل گردیده که فقه شیعه برای تحقق این مهم راهکاری تلفیقی از مسئولیت حاکمیت اسلامی از یک سو و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی شهروندان از سوی دیگر، در چارچوب برقراری عدالت اجتماعی، اجرای حدود اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر و التزام به احکام فقهی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: امنیت اجتماعی، فقه شیعه، امنیت فردی، احکام فقهی، عدالت اجتماعی.

۱. دانش‌آموخته حوزه و کارشناسی ارشد فلسفه اجتماعی (mohamadyhosein@yahoo.com)

مقدمه

بی‌تردید امنیت از نیازهای اولیه انسان است که با آفرینش او همراه بوده است و نعمتی بی‌بدیل در همه ابعاد زندگی به شمار می‌آید، لذا هیچ مکتب یا نظام فکری نمی‌تواند خود را نسبت به موضوع امنیت بی‌تفاوت قلمداد نماید. اسلام نیز به عنوان یک نظام عقیدتی جامع که پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی افراد در همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌باشد از این قاعده مستثنی نیست. با ملاحظه متون دینی، احکام و مقررات اسلامی ملاحظه می‌شود که اهمیت امنیت در همه عرصه‌ها و راه‌های تحقق بخشیدن به آن در دین اسلام مورد توجه زیادی قرار گرفته است.

در بررسی امنیت اجتماعی از منظر اسلام باید افزود، فقه شیعه که از کتاب و سنت ریشه گرفته است، با فطرت انسان و نیازهای او سازگاری و تناسب کامل دارد. فقه، مسیر زندگی واقعی انسان را که بر اساس مصالح و منافع واقعی و با اقتضای آفرینش پایه گذاری شده است، ترسیم می‌کند و بر این پایه است که فقه نیاز به امنیت را همانند دیگر نیازهای ضروری بشر در نظر گرفته و در تمام ابعاد و گوشه‌های وجود آن کارآیی دارد. با توجه به آنچه گفته شد، نوشتار حاضر در پی آن است تا به تبیین و بررسی جایگاه امنیت اجتماعی و راهکارهای تحقق آن در جامعه از منظر فقه شیعه بپردازد. بدین منظور ابتدا جایگاه و مبانی امنیت اجتماعی از منظر منابع فقه بررسی می‌گردد و سپس مهمترین راهکارهای تحقق امنیت، که در ضمن احکام فقهی طرح شده‌اند، تبیین خواهد شد.

۱- امنیت اجتماعی در فقه شیعه

در ابتدا باید گفت، امنیت مفهومی نسبتاً مبهم است که برای آن معانی بسیار گفته شده است. از گذشته‌های دور تا به حال تعاریف مختلفی از واژه امنیت شده است و تحولاتی در مفهوم آن به وجود آمده است که شاید این اختلافات به دلیل پیچیدگی مفهوم آن باشد. با این اوصاف در تعریف لغوی آن می‌توان گفت، امنیت (مصدر) برگرفته

از واژه امن است. امن ضد ترس و به گفته برخی نقیض آن است.^۲ معنای لغوی امنیت در فرهنگ‌های لغات عبارتند از: در امان بودن، آرامش و آسودگی، حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی و مادی) احساس آزادی از ترس و احساس ایمنی (امنیت ذهنی و روانی) و رهایی از تردید و اعتماد به دریافت‌های شخصی می‌باشد. در تعریف اصطلاحی آن نیز، «امنیت را می‌توان، شرایط عدم خطر یا تهدید نسبت به توانایی‌ها و برخوردارهای شخصی تعریف کرد»^۳.

مفهوم امنیت اجتماعی نیز به معنای حالت فراغت همگانی از تهدیدی که کردار غیرقانونی دولت یا دستگاه یا فرد یا گروهی در تمام یا بخشی از جامعه پدید آورد، به کار می‌رود.^۴ بدین توضیح که، امنیت اجتماعی، به معنی امنیت جان، مال، آبرو و موقعیت اجتماعی شخص از جانب عوامل اجتماعی می‌باشد. یعنی از جانب افراد دیگر، سایر گروه‌ها و حکومت و قانون، جان، مال، آبرو و موقعیت اجتماعی فرد مورد تهدید و خطر قرار نگیرد.

برای شناخت دیدگاه فقه شیعه در مورد جایگاه امنیت، رجوع به منابع فقهی از بهترین راه‌هاست، اولین و مهمترین منبع معارف اسلامی قرآن کریم است. از منظر قرآن، امنیت اجتماعی از نعمت‌های بزرگ خداوند به هر جامعه‌ای است و جامعه‌ای که از چنین نعمتی برخوردار است باید همواره شکرگزار خداوند باشد که از چنین خیر بزرگی برخوردار است. «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»^۵.

۲ - ر ک به بقره ۱۲۶؛ نساء ۹۱؛ مائده ۲؛ یوسف ۹۹؛ ابراهیم ۳۵؛ نحل ۱۱۲؛ نور ۵۵؛ شعراء ۱۴۲ و ۱۴۶؛

قصص ۵۷؛ تین ۳؛ قریش ۴.

۳ - فرهنگ معین، ذیل واژه امنیت.

۴ - آشوری، بی تا: واژه امنیت.

۵ - نحل ۱۱۲

اهمیت و ارزش امنیت اجتماعی است که حضرت ابراهیم(ع) را وادار می سازد تا برای ایجاد چنین امنیتی در مکه حتی برای غیراهل ایمان، دعا کند. «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ^۶». در همین راستا می توان به مطلوب بودن امنیت اجتماعی در جوامع اشاره کرد که حضرت یوسف(ع) در هنگام پناه دادن خانواده خویش در مصر به آنان یادآور می شود که اگر وارد مصر شوید ان شاء الله در امنیت قرار خواهید گرفت. «فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ أَوَى إِلَيْهِ أَبُوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ^۷». اهمیت امنیت از منظر قرآن کریم تا بدان حد است که هرگونه عملی که مخل امنیت اجتماعی و از بین برن وحدت و یکپارچگی اجتماعی مومنین باشد، بشدت مورد نهی قرار گرفته است.

«ولا تكونوا كالذين تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جائهم البينات و اولئك لهم عذاب عظیم^۸. و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند، آن هم پس از آن که نشانه های روشن پروردگار به آن ها رسید و آن ها کیفر بزرگی در پیش دارند». و همچنین در آیه ای دیگر: «ان الذين فرقوا دينهم و كانوا شيعا لست منهم في شئ انما امرهم الى الله ثم ينبئهم بما كانوا يفعلون^۹. کسانی که آئین خود را پراکنده ساختند و به دسته های گوناگون تقسیم شدند، توهیج گونه رابطه ای با آن ها نداری. انجام کار آن ها با خداست، سپس خداوند آن ها را از آنچه انجام می داده اند آگاه می کند».

همانطور که مشخص است در این آیه، از تفرقه و جدایی بین اجتماع مسلمین نهی شده است و اینگونه امور، تهدیدی سخت برای امنیت اجتماعی به حساب آمده است.

۶ - بقره ۱۲۶

۷ - یوسف ۹۹

۸ - آل عمران / ۱۰۵.

۹ - انعام / ۱۵۹.

بعد از بررسی امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن به بررسی اهمیت امنیت از نظر روایات پرداخته می‌شود. پیامبر اعظم (ص) می‌فرمایند: وطنی که امنیت و شادی در آن نیست خیری در آن نیست.

امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در همین رابطه فرموده اند که: «لاخیر فی الوطن الامع الأمن و المسره» از مفاد این دو حدیث چنین بر می‌آید که سرور و مسرت فرع بر امنیت بوده و شادی بدون امنیت بی‌معنی است. مضافاً اینکه از دیدگاه معصومین وطنی دارای ارزش و خیر است که دارای امنیت باشد و اصولاً کشور ناامن مورد توجه هیچ کس قرار نمی‌گیرد و رو به نابودی است. در روایات دیگر منسوب به پیامبر اعظم (ص) آمده است؛ نعمتان مکفورتان؛ الأمن و العافیه یعنی سپاس دو نعمت بجا آورده نشده و مورد ناسپاسی و ناشکری واقع شده اند، امنیت و عافیت. همه این آیات و روایات و موارد مشابه دیگر تماماً بیانگر توجه اسلام به مسأله امنیت است.

حضرت امیرمؤمنان (ع) یکی از ویژگی‌های جامعه جاهلی را فقدان امنیت اجتماعی شمرده و می‌فرماید جامعه جاهلیت جامعه‌ای بود که اندیشمندان و آگاهان جامعه دهانشان بسته و نادانان و انسان‌های بی‌هویت و سالوس مورد احترام بودند^{۱۰}. در روایات اسلامی، رعایت حقوق اجتماعی و امنیت اجتماعی و با جامعه همراه بودن، با ایمان برابر قرار گرفته است.

قال الامام الباقر(ع) قال رسول الله(ص): «من فارق جماعه المسلمین فقد خلع رقبه الاسلام من عنقه. امام باقر(ع) از پیامبر(ص) نقل می‌کند که فرمود: «هر کس از اجتماع مسلمان ها جدا گردد، از اسلام برون رفته است»^{۱۱}. و قال الامام کاظم(ع): «ثلاث موقبات: نکث الصفته و ترک السننه و فراق الجماعه. امام

۱۰ - نهج البلاغه، خطبه ۲.

۱۱ - الحیاه، ۱ / ۲۵۲.

کاظم(ع) فرمود: سه گناه بزرگ است که انسان را به هلاکت می رساند: ۱- شکستن

بیعت؛ ۲- ترک سنت؛ ۳- جدا شدن از اجتماع اسلامی»^{۱۲}.

رعایت حقوق اجتماعی و ارتباط و اتصال با جامعه، به معنای پذیرش مسوولیت هاست و این که هر کس در هر موقعیت و محلی از جامعه قرار گرفته است، وظیفه خود را به شایستگی انجام دهد.

در این صورت است که ارزش هر کس و هر چیزی در ارتباط با اجتماع محفوظ خواهد ماند و با آسایش و اطمینان و اعتماد بر ارزش‌ها، زندگی اجتماعی استمرار و رونق می‌یابد. همچنین پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند:

«یا علی! المومن من امنه المسلمون علی اموالهم و دمائهم و المسلم من سلم المسلمون من یده و لسانه. پیامبر فرمود: یا علی! مومن کسی است که دیگر مسلمان‌ها در اموال و خون‌هایشان از او در آسایش باشند و مسلمان کسی است که دیگر مسلمان‌ها از دست و زبان او در امان باشند»^{۱۳}.

از این گونه روایات و مانند آن‌ها که در زمینه برادری، رعایت حقوق افراد جامعه، محترم بودن خون و مال و آبروی دیگران است، به دست می‌آید که با رعایت این گونه امور جامعه فاسد اصلاح گشته و از تباهی به سازندگی و پاکی و شایستگی و نیکی می‌رسد. در اجتماعی که فقه و توجه مردم به حلال و حرام خدا باشد و فرمان الهی به کار گرفته شود، آن اجتماع از تاریکی‌های فساد و بی‌دینی و تفرقه و جدایی بیرون آمده و به زندگانی سرشار از نور حق، عدالت، فضیلت و صلاح رهنمون می‌شود.

در پایان این فصل باید گفت، فقه شیعه دعوت خود را بر پایه اجتماع طرح ریزی کرده و احکام خود را در قالب نظام اجتماعی ریخته و نیز روح اجتماعی را در تمام احکام خود دمیده است. دعوت اسلام در آغاز بر اصل اجتماع و اتحاد و برادری قرار

۱۲- الحیاه، ۱ / ۲۵۳.

۱۳- الحیاه، ۱ / ۲۵۸.

گرفته و سپس حفظ و حراست از ارزش‌های مادی و معنوی را نیز در سایه برپا داشتن اجتماعی سالم دانسته است. سلامت اجتماع نیز با تحقق امنیت حاصل می‌گردد و هر چیزی سلامت اجتماع را تهدید کند، امنیت آن را نیز به خطر می‌اندازد. در نتیجه حفظ امنیت اجتماعی در فقه شیعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

۲- راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی از منظر فقه شیعه

همانگونه که از مطالب پیشین برآمد نظم و امنیت اجتماعی در مکتب اسلام دارای جایگاه ویژه و مبانی مستحکمی است. بدین منظور دین اسلام برای ایجاد وضعیت مطلوب، اصول و قوانینی را در چارچوب فقه مطرح می‌سازد تا در سایه سار آن امنیت و آرامش اجتماعی فراهم آید. باید افزود، آنچه از بررسی منابع فقهی جهت تحقق امنیت اجتماعی بدست می‌آید، وجود الگویی تلفیقی از وظایف دستگاه‌های حاکمیتی و همچنین مسئولیت‌پذیری افراد جامعه می‌باشد. در این الگو بعضی از وظایف بر عهده‌ی نهادهای حاکمیتی گذاشته شده‌اند، مانند تلاش در برقراری عدالت اجتماعی و اجرای حدود اسلامی و بعضی دیگر بر عهده‌ی تک تک افراد جامعه به عنوان شهروندان مومن و ملتزم به احکام شرعی، مانند انجام واجباتی که هرچند به ظاهر، صورتی فردی دارند اما در نهایت تأثیر بسزایی در ایجاد امنیت اجتماعی ایفا می‌نمایند. از سوی دیگر با توجه به این که امنیت اجتماعی مسئله‌ای همگانی به شمار می‌آید که بدون همکاری توانمند افراد جامعه و حاکمیت محقق نمی‌شود، مکتب فقهی شیعه، امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان وظیفه‌ای همگانی تشریع نموده است که از طریق آن، هم حاکمیت از طریق نهادها و سازمان‌های اجرا کننده مرتبط، و هم افراد جامعه به عنوان شهروندان مسئول در قبال احکام الهی در تحقق این مهم سهیم هستند. در ادامه هر کدام از این راهکارها متناسب با گنجایش این مقاله بیان می‌شوند.

۲-۱- برقراری عدالت اجتماعی

یکی از مهمترین عوامل، جهت ایجاد امنیت اجتماعی، برقراری عدالت

اجتماعی در سطح جامعه می‌باشد، این امر در مکتب اسلام نیز بشدت مورد توجه قرار گرفته است. زیرا درواقع، عدالت نقش زیربنای امنیت اجتماعی را ایفا می‌کند. بدین توضیح که، امنیت با برآورده شدن جمیع حقوق مردم، نسبت برقرار می‌کند و این همان تعریف عدالت و عدالت واقعی در نظام اسلامی است.

اگر در جامعه ای عدالت کامل برقرار باشد کسی به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کند و در عین حال خواهان چیزی بیشتر از حق خود نخواهد بود؛ در نتیجه انگیزه‌ای برای تجاوز به حقوق دیگران وجود نخواهد داشت. همچنین از عوامل مؤثر در افزایش آسیب‌های اجتماعی، وجود بی عدالتی در جامعه است که در صورت برقرار بودن عدالت در جامعه، آسیب‌های اجتماعی هم تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و کاهش آن‌ها در جامعه رقم خواهد خورد.

عدالت در چشم‌انداز اسلامی، بنیاد دین و شریعت است^{۱۴}. که به معنای مساوات^{۱۵}، تساوی^{۱۶} و نیز تناسب^{۱۷} کاربرد یافته است. به همین سان عدالت اجتماعی، عدالت در اخلاق، افعال، تقسیم اموال، داد و ستد، احکام و سیاست‌ها و روابط اجتماعی را شامل می‌شود که در هر یک از این موارد برقراری تساوی و تعادل و نفی افراط و تفریط و اعتدال و میانه روی را به همراه می‌آورد.

قرآن در کمال صراحت «عدالت اجتماعی» را به عنوان هدف بعثت انبیا معرفی کرده است^{۱۸}. پس همه پیغمبران برای برقرار کردن عدالت آمده اند.

۱۴ - ر.ک: شیخ صدوق (محمّد بن علی بن موسی بن بابویه قمی)، الخصال، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ص

۱۱۳، ح ۹۰ / میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۱۶، ح ۱۳۱۳۹.

۱۵ - راغب اصفهانی، مفردات، ص ۳۲۵.

۱۶ - احمد بن فارس زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۲۴۶.

۱۷ - مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۷۸ و ۷۹.

۱۸ - حدید ۲۵/

همچنین حضرت علی(ع) عدالت را رمز بقا و امنیت جامعه به منزله یکی از مهم‌ترین بازی‌گران می‌داند و همچنین معتقد هستند یأس از عدالت، نتیجه آن خشونت، نیرنگ، سوء استفاده، خلاف‌کاری، تضعیف اخلاقی عمومی و از هم پاشیدگی اجتماع خواهد شد.^{۱۹} امیر مومنان (ع) می‌فرمایند، هیچ چیزی مانند عدالت نمی‌تواند دولت‌ها را محافظت کند و عدل را سپر محکمی می‌دانند که موجب تداوم قدرت و اقتدار نظام اسلامی است. ایشان تأکید دارند که عدالت مخالفت‌ها را از بین می‌برد و دوستی ایجاد می‌کند. فقدان عدالت منجر به ظلم و نتیجه آن خشونت خواهد بود.^{۲۰} بنابراین مطابق بیانات آن حضرت، عدالت منجر به تعادل و توازن پایدار و ناب می‌گردد، زیرا افزایش دهنده محبت، اطمینان و آرامش است و از سوی دیگر مانع و رادع مناسب برای جلوگیری از خشونت یا به تعبیر دیگر حادثه‌های امنیتی می‌باشد.

در ادامه باید افزود، رکن اصلی برپاکننده عدالت اجتماعی، حاکمیت است که در اسلام و منطق نبوی و علوی، همه کارگزاران اعم از مجریه، مقننه و قضاییه را شامل می‌شود. از نگاه دین، حکومت به‌عنوان امانتی در دست حاکمان است.^{۲۱} براساس این رویکرد، حاکمیت باید برای برقراری عدالت اجتماعی و در نتیجه ایجاد امنیت اجتماعی، مسائلی را مراعات کند که بر طبق فرمایشات امیرالمومنین (ع)، مهمترین آن‌ها عبارتند از:

الف) دفاع از مظلومان و مستمندان و مبارزه با ستمگران
امام علی(ع) در این باره فرموده است:

۱۹ - شرح غرر الحکم و درر الحکم، جمال الدین محمد خوانساری، ج ۵، ص ۱۴۸، ۱۷۵، ۱۹۳، ۲۴۳، ۲۹۰،

۲۹۶.

۲۰ - بقا و زوال در کلمات سیاسی امیرالمؤمنان(ع)، ص ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۹۳.

۲۱ - نهج البلاغه، نامه ۵

یا شریح انظر الى اهل المعك والمطل و دفع حقوق الناس من اهل المقدره و اليسار ممن يدلى باموال المسلمين الى الحكام فَخُذْ للناس بحقوقهم منهم. ای شریح بنگر به کسانی که با داشتن تمکن در پرداخت حقوق مردم تعلل می‌ورزند و وقت‌گذرانی و مپاطله می‌نمایند و صاحب ثروت و قدرت هستند و از مال مردم به حاکمان رشوه می‌دهند، پس حقوق مردم را از آنان بازستان^{۲۲}.

در این عبارت، «معک» به معنای تأخیر در پرداخت حقوق و «مطلل» به معنای امروز و فردا کردن در پرداخت حقوق است. «المقدره» نیز به معنای توانایی و توانگری و «یسار» به معنای ثروتمند است. تأکید حضرت در این کلام، بازستاندن حق مظلوم از ظالم و افراد بی‌اعتنا به حقوق مسلمانان است. در این باره، امام رضا (ع) می‌فرماید: «نحن اولياء المؤمنين، انما نَحْكُمُ لَهُمْ وَ نَأْخُذُ لَهُمْ حَقَّوَقَهُمْ مِمَّنْ يَظْلِمُهُمْ...؛ ما سرپرست و زمامدار مؤمنان هستیم که به سود آنان حکم و حکومت می‌کنیم و حقوقشان را از ستمگران می‌گیریم^{۲۳}».

ب: برپایی توازن و عدالت اقتصادی

در نظام اقتصادی متعادل و متوازن، بخش‌های اقتصادی و جریان اموال، به توازن و تعادل می‌رسد^{۲۴}. پس اگر توازن اقتصادی صورت پذیرد، به تبع آن، توازن فرهنگی، معنوی، اخلاقی و سیاسی نیز صورت می‌گیرد و نتیجه‌ی آن چیزی جز تحقق امنیت اجتماعی نخواهد بود. از این‌رو، حضرت علی (ع) یکی از وظایف خود را برقراری توازن اقتصادی می‌داند و می‌فرماید:

«ایها الناس ان لی علیکم حقاً ولکم علی حق فاما حقکم علی ... توفير فیئکم و تعلیمکم کیلا تجهلوا و تأدیبکم کیلا تعلموا». ای مردم، مرا بر شما حقی است، و شما

۲۲ - حکیمی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۷۵۸

۲۳ - صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ۸۶

۲۴ - حکیمی، ۱۳۷۰: ۲۸۴

را بر من حقی. بر من است که خیرخواهی از شما دریغ ندارم و حقی را که از بیت‌المال دارید بگزارم. شما را تعلیم دهم تا نادان ننماید و آداب آموزم تا بدانید^{۲۵}. در این عبارت، امام وظیفه حاکم را قرار دادن اموال عمومی به صورت کامل در اختیار نیازمندان و همه صاحبان حق و سامان دادن به امور اقتصادی و معیشت مردم می‌داند و پس از آن، به مهم‌ترین وظیفه حاکم که همانا رهایی از جهل و نادانی است، اشاره می‌کند.

ج) تربیت و پرورش افراد

امام علی (ع)، یکی از وظایف حاکمیت را جهت برقراری عدالت اجتماعی و در نتیجه ایجاد امنیت اجتماعی، تربیت و پرورش بیان کرده است^{۲۶}.

«من کمال السعادة السَّعی فی اصلاح الجمهور؛ از کمال نیک‌بختی است سعی کردن در آنچه صلاح حال معظم مردم و عامه ایشان باشد.» یا: «عَلَى الامام ان يعلم اهل ولايته حدود الاسلام والايمان؛ بر امام است اینکه تعلیم کند اهل مملکت خود را حد و اسلام و ایمان آنها را^{۲۷}».

در این عبارت، وظیفه آموزش نیز بر عهده امام که حاکم مسلمانان قلمداد می‌شود گذارده شده است. امیرمؤمنان، علی (ع)، در جایی دیگر نیز فرموده است: «وإنَّ حقکم علیه (الوالی) ... التعديل بینکم... فاذا فعل ذالک وجب طاعته؛ وحق والی بر شما آن است که بین شما به عدل رفتار کند... و چون این‌گونه کرد، بر شما واجب است از او اطاعت کنید^{۲۸}». حکومت اسلامی باید زمینه یاری‌رسانی به مردم به منظور رفع نیازهای آنان و جلوگیری از هرگونه ظلم و تجاوز به حقوق دیگران را فراهم سازد. پیامبراکرم

۲۵ - نهج البلاغه، خطبه ۳۴

۲۶ - مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ج ۲، ۳۴۵ و ۳۴۶

۲۷ - آمدی، ۱۳۷۸: ج ۴، ۳۱۸

۲۸ - مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۲، ۳۵۶

(ص) درباره حاکم و حکومت اسلامی می‌فرماید: «یاوی الیه کل مظلوم من عباده؛ ضعیف به او پناه می‌برد و به وسیله او مظلوم یاری می‌شود»^{۲۹}. امام محمدباقر (ع) نیز در این باره فرموده است: «تأمن المذاهب و ترد الظالم وتعمر الارض ویستقیم الامر»^{۳۰}. براساس آنچه بیان شد، وظیفه حکومت و حاکم، تأمین امنیت، بازگرداندن حقوق تباه شده افراد و به سامان شدن امور است که این وظیفه تنها در سایه برقراری عدالت اجتماعی میسر است. از این رو، حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«خدایا تو می‌دانی هدف من، امارت و پادشاهی و ریاست بر مردم نیست، بلکه هدف من، قیام به حدود الهی و تحقق شرع انور، منظم کردن امور، دفاع از افراد و رساندن حق هر صاحب حقی به او و ادامه راه رسول الله و ارشاد گمراهان است».

این روایات به درستی روشن می‌سازد که چشم فرو بستن و بی‌تعهدی نسبت به مفاسد و نابهنجاری‌ها در هر بخش از جامعه، امری غیراسلامی و نتیجه بی‌تقوایی است؛ زیرا مسئول و حاکم جامعه، در برابر این امور ضامن است. بر اساس کلام ائمه معصومین، حاکم و مدیر و وزیر و وکیل و رئیس در برابر انواع مسائل اجتماعی مانند مشکلات اداری، اقتصادی، اخلاقی و آموزشی و بطور کلی هر آنچه سبب آسیب‌های اجتماعی شود مسئولیت دارد، به گونه‌ای که در روز حشر باید پاسخ‌گوی خالق هستی باشد.

۲-۲- اجرای حدود اسلامی

فقه شیعه مکتبی است که به منظور فراهم کردن امنیت اجتماعی در سطح جامعه برخی قوانین بازدارنده را برای دور کردن انسان‌ها از عوامل ناامنی اجتماعی در نظر گرفته است؛ زیرا این به تجربه ثابت گردیده که برخی انسان‌ها تنها هنگامی که با مجازات سخت و کیفری شدید مواجه می‌شوند دست از ارتکاب جرم بر می‌دارند.

۲۹ - همان، ۵)

۳۰ - فیض کاشانی، ج ۱۵، ۱۷۰

به عنوان نمونه دو جرم قتل و دزدی از جمله عواملی هستند که اگر نسبت به آنها هرگونه مسامحه‌ای صورت گیرد بسیار زود در جامعه فراگیر شده و در نتیجه امنیت اجتماعی را به طور جدی تهدید می‌نمایند. از همین رو در آیات بسیاری از قرآن کریم نسبت به این دو معضل، هشدارهایی داده شده است تا انسان‌ها از ارتکاب آن‌ها خودداری کنند و چنانچه کسی پا را از این حدود الهی فراتر نهاد و علی‌رغم تحذیرات خداوند، مرتکب یکی از این امور گردید، باید مطابق دستورات قرآن و شرع مقدس با مرتکبین آن‌ها برخورد شود.

به همین منظور، در فقه شیعه حکم «قصاص» در رابطه با مرتکبین قتل طرح گردیده و خداوند متعال از این اصل به عنوان عاملی برای تداوم حیات اجتماعی در سایه امنیت یاد فرموده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^{۳۱}؛ ای افرادی که ایمان آورده‌اید حکم قصاص در مورد کشتگان بر شما نوشته شده است... و برای شما در قصاص حیات و زندگی است ای صاحبان خرد تا شما تقوی پیشه کنید.

این آیه که در نهایت فصاحت و بلاغت است آنچنان اهمیت دارد که به صورت یک شعار اسلامی در ذهن همگان نقش بسته است و به خوبی نشان می‌دهد که قصاص اسلامی به هیچ وجه جنبه‌ی انتقام جویی ندارد؛ بلکه دریچه‌ای است به سوی حیات و زندگی انسان‌ها. از یک سو ضامن حیات جامعه است؛ زیرا اگر حکم قصاص به هیچ وجه وجود نداشت و افراد سنگدل احساس امنیت می‌کردند جان مردم بی‌گناه به خطر می‌افتاد؛ و در نتیجه جامعه از نظر امنیت اجتماعی دچار بحران گردیده است. از سوی

دیگر مایه حیات قاتل است چرا که او را از فکر آدم کشی تا حد زیادی باز می دارد و کنترل می کند و موجب تأمین امنیت اجتماعی می گردد.^{۳۲}

همچنین درباره معضل دزدی و سرقت که یکی از عوامل بر هم زنده نظم جامعه و ایجاد ناامنی اجتماعی است قرآن کریم چنین فرمان می دهد: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^{۳۳}؛ دست مرد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده اند به عنوان یک مجازات الهی قطع کنید و خداوند توانا و حکیم است.

با توجه به مفاد این آیه شریفه این مطلب به خوبی اثبات می شود که از نظر اسلام امنیت جامعه از چنان درجه ای از اهمیت برخوردار است که فرمان می دهد که به سبب برهم زدن آن، دست یک انسان قطع گردد و مرتکب ایجاد ناامنی در جامعه، یک عمر بدون دست زندگی کند، ولی امنیت اجتماع محفوظ بماند.^{۳۴}

در ادامه بسیار ضروری است که به یکی دیگر از احکام شرعی که به روشنی فرمان مبارزه با عوامل ایجاد ناامنی در جامعه را صادر فرموده اشاره کنیم تا هرچه بیشتر به اهمیت مبارزه با اخلاص در امنیت اجتماع واقف شویم. در آیه ۳۳ از سوره مبارکه مائده، خداوند می فرماید:

«إِنَّمَا جُزُوا الَّذِينَ يَحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً أَنْ يَقْتُلُوا وَيُصَلِّبُوا أَوْ تَقَطَّعَ أَيْدِيَهُمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يَنْفُوا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ کیفر آنها که با خدا و پیامبر به جنگ برمی خیزند و در روی زمین دست به فساد می زنند (و با تهدید به اسلحه به جان و مال و ناموس مردم حمله می برند) این است که اعدام شوند یا به دار آویخته گردند یا

۳۲ - تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۰۶

۳۳ - مائده، ۳۸

۳۴ - تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۷۸

(چهار انگشت از) دست راست و پای چپ آنها بریده شود و یا از سرزمین خود تبعید گردند؛ این رسوایی آنها در دنیاست و در آخرت مجازات بزرگی دارند.

در این آیه شریفه عبارت «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» بیان کننده حال کسانی است که به دشمنی با خدا و رسول خدا (ص) اقدام می کنند، و مفسر کبیر قرآن مرحوم علامه طباطبایی، در تفسیر این عبارت و توضیح کلمه «مُحَارِبَهُ» می فرماید: «مراد از محاربه، دشمنی با خدا در خصوص مواردی است که رسول نیز در آن دخالتی دارد و در نتیجه تقریباً متعین می شود که بگوییم: مراد از محاربه با خدا و رسول، عملی است که برگشت می کند به ابطال اثر چیزی که رسول از جانب خدای سبحان بر آن چیز ولایت دارد، نظیر جنگیدن کفار با رسول و با مسلمانان و راهزنی راهزنان که امنیت اجتماعی را خدشه دار می سازد، امنیتی که با گسترش دامنه ولایت رسول آن امنیت را گسترش داده و همین که بعد از ذکر محاربه با خدا و رسول جمله‌ی: «وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» را آورده، معنای مورد نظر را مشخص می کند و می فهماند که منظور از محاربه با خدا و رسول افساد در زمین از راه اخلاق به امنیت عمومی و راهزنی است»^{۳۵}.

پس از آنکه دانستیم مراد از محاربه با خدا و رسول، اخلاق در امنیت اجتماعی است با نگاهی به متن آیه شریفه استفاده می شود که برای آنان که امنیت اجتماعی را برهم زده و موجبات ناامنی جامعه را فراهم می آورند خداوند متعال چهار نوع کیفر معین فرموده است که بنا به نوع جرم، حاکم اسلامی یکی از آنها را برای مجازات در نظر می گیرد، که عبارت است از: کشته شدن، به دار آویخته شدن، بریدن دست و پای آنها به طور مخالف و تبعید از محل زندگی.

در ضمن، آیه شریفه به خوبی بیانگر اهمیت والای امنیت اجتماعی در آیین اسلام است؛ چرا که آنان را که به این امر مهم لطمه وارد می نمایند را با عنوان

«محارب با خدا و رسول» یاد کرده است، یعنی «امنیت اجتماعی» امری است که به طور مستقیم وابسته به خدا و رسول است و جزء حدود الهی محسوب می‌گردد که هر که به این حدود تجاوز کند در واقع حد و مرز الهی را مورد سوء قصد قرار داده است.

۲-۳- امر به معروف و نهی از منکر همگانی

از عوامل مؤثر در برقراری امنیت، نقش مشارکت مردم است. امنیت اجتماعی به عنوان یک امر اجتماعی به طور کامل وابسته به مشارکت مردم است. مشارکت مردمی در تحقق امنیت اجتماعی مسئله‌ای است که در فقه شیعه تحت فرع امر به معروف و نهی از منکر تحقق یافته است. اسلام برای ترغیب مردم به مشارکت در تامین امنیت جامعه خویش، امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان دو عامل بازدارنده و تشویق کننده در جامعه معرفی نموده و بر اهمیت اجرای آن تأکید کرده است. امام باقر(علیه السلام) درباره تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در امنیت اجتماعی می‌فرماید: «به وسیله امر به معروف و نهی از منکر راه ها ایمن می‌گردد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود»^{۳۶}.

البته باید توجه داشت، تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک وظیفه عمومی، بدان معنا نیست که بگوییم دولت مسئول نیست، چنانکه شرح وظایف برخی از سازمانها، ایجاد امنیت مطرح شده است، مثل سازمانهای نظامی و انتظامی، بلکه بدین معناست که خانواده، گروههای آموزشی، وسایل ارتباط جمعی و احزاب، همه و همه از طریق امر به معروف و نهی از منکر در ایجاد امنیت اجتماعی نقش دارند. در ادامه باید افزود، کارکرد امر به معروف و نهی از منکر در ایجاد امنیت اجتماعی به صور ذیل قابل تصور است:

الف) انسجام و بقای جامعه و وحدت آن

افراد در جامعه مانند سرنشینان یک کشتی، دارای سرنوشت پیوسته‌ای هستند و مسافران کشتی صرف نظر از مقرراتی که توسط راهبران کشتی به آن‌ها ابلاغ می‌شود، به طور طبیعی حق دارند و موظفند از اموری که ممکن است آن‌ها را در کام دریا جای دهد شدیداً جلوگیری به عمل آورند و در جهت حفظ کشتی و مسافران از خطرات کوشش نمایند^{۳۷}. آیات صدوشت و سه تا صدوشت و شش سوره اعراف نیز چنین معنایی را بازگو نموده است:

وَأَسْأَلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ. وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ. فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَّئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ. فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ. و از اهالی آن شهری که کنار دریا بود، از ایشان جویا شو، آنگاه که به (حکم) روز شنبه تجاوز می کردند؛ آنگاه که روز شنبه آنان، ماهیهایشان روی آب می آمدند، و روزهای غیرشنبه به سوی آنان نمی آمدند، این گونه ما آنان را به سبب آنکه نافرمانی می کردند، می آزمودیم. و آن گاه که گروهی از ایشان گفتند: «برای چه قومی را که خدا هلاک کننده ایشان است، یا آنان را به عذابی سخت عذاب خواهد کرد، پند می دهید؟» گفتند: «تا معذرتی برای پروردگارتان باشد، و شاید که آنان پرهیزگاری کنند.». پس هنگامی که آنچه را بدان تذکر داده شده بودند، از یاد بردند، کسانی که از (کار) بد باز داشتند نجات دادیم^{۳۸}».

۳۷ - در این باره نعمان بن بشیر از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایتی بدین مضمون نقل کرده است. (رازی

ابوالفتح، روض الجنان و روح الجنان، ج ۴، ص ۹۷۴.

۳۸ - اعراف. ۳۶۱-۳۶۶. ۱

بنابراین از منظر اسلام، امر به معروف و نهی از منکر ضامن بقای جامعه و حفظ و انسجام آن می‌باشد و ترک این دو سبب نابودی و هلاکت جوامع و ایجاد ناامنی است.

(ب) ضمانت اجرای احکام و دستورات الهی

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان اصل «نظارت عمومی» یا «ضمانت اجرایی» قوانین اسلام مطرح می‌باشد. خدا نظارت بر حسن اجرای احکام الهی را برعهده فرد فرد جامعه اسلامی از هر قشری نهاد، از این رو هر فرد و گروهی همواره چشمان بیدار امت اسلامی را مراقب خویش دانسته و تلاش می‌کند حتی الامکان قوانین اسلامی را رعایت نموده و زیر پا نگذارد. امام باقر(علیه السلام) می‌فرمایند: «امر به معروف و نهی از منکر فریضه بزرگی است که به سبب آن واجبات برپا می‌شود»^{۳۹}.

(ج) برقراری عدالت اجتماعی

نظارت عمومی بر حسن اجرای احکام عدالت گستر اسلام زمینه فراگیری عدالت اجتماعی را فراهم می‌سازد. امام علی(علیه السلام) در این مورد می‌فرمایند: «امر به معروف و نهی از منکر با برگرداندن مظالم (به صاحبان اصلی آن) و مخالفت ستمگر همراه است. همچنین تقسیم عادلانه بیت المال و غنایم را در پی دارد و صدقات (مالیات های شرعی) از جاهای لازم گرفته شده و در جای حق و مناسب مصرف می‌شود»^{۴۰}.

(د) زمینه‌سازی فعالیت اقتصادی سالم

بی‌تردید وجود یک محیط اقتصادی سالم، زمینه ساز مناسبی جهت ایجاد امنیت در جامعه خواهد بود. بدین منظور با اجرای امر به معروف و نهی از منکر راه‌های صحیح کسب و تجارت و پیشرفت صنعت، هموار گشته و هر کسی درخور استعداد خویش به

۳۹ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۹.

۴۰ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۰.

امرار معاش می‌پردازد و بیکاری، گرانفروشی، احتکار و سایر انحرافات اقتصادی ریشه کن می‌گردد. همانگونه که امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «به وسیله امر به معروف و نهی از منکر کسب‌ها حلال می‌شود»^{۴۱}.

در نتیجه باید گفت یکی از اثرات مهم این فریضه، امنیت بخشی به فرد و جامعه است و سایر اثرات و کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر مثل بقای جامعه و حفظ وحدت، عدالت اجتماعی و اقتصادی، همگی در راستای ایجاد امنیت و آرامش افراد اجتماع است.

۲-۴- التزام به احکام شرع

مکتب فقهی شیعه، امنیت جامعه را تابع رفتار افراد می‌داند و آن‌ها را پیکره‌ی واحدی به حساب می‌آورد که هر قسمت از آن در قسمت‌های دیگر تأثیر می‌گذارد. اگر آحاد مردم به راستی به احکام الهی ملتزم باشند، جامعه‌ای پاک و دور از هر گونه تشت و انحراف وجود خواهد داشت.

از میان تمامی قوانین و ضوابط دینی که اسلام برای سعادت دینی و دنیوی بشر عرضه داشته، قوانین و مقررات اجتماعی که در پیوند با هم‌نوعان تحقق می‌یابد، با اصل مسئولیت انسان رابطه‌ی نزدیک دارد. در این راستا به چند دستورالعمل که در قالب فروع دینی طرح شده است نظیر خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر می‌توان اشاره کرد. توجیه منطقی این تکالیف تنها بر پایه‌ی مسئولیت اجتماعی انسان استوار است، هر یک از این تکالیف جنبه‌های از مسئولیت اجتماعی انسان را در عرصه‌ی اجتماعی ترسیم و تبیین می‌کند. مسئولیت محرومیت زدایی و تلاش برای همدلی و یک رنگی و یگانگی، مسئولیت ارشاد و سازندگی اجتماع و هم‌نوعان، مسئولیت اشاعه‌ی عدل و نفی تبعیض و ناروایی‌ها و نابرابری‌های اجتماع، مسئولیت «امنیت» و آسایش

مردم و در نهایت مسئولیت تنظیم روابط اجتماعی به نحو مطلوب و بالاتر از همه این که دین اسلام جز مسئول بودن انسان، پیامی ندارد.

همچنین فقه شیعه، با احکام شرعی خود، اراده را در افراد مؤمن تقویت می‌کند و هسته اصلی پرهیز از انحرافات را در آن‌ها به وجود می‌آورد و به سطح بالایی از انضباط سوق می‌دهد، زیرا انضباط محصول تقید و التزام است و افراد لاقید و بی‌بند و بار به نظم و انضباط تن نمی‌دهند و آنگاه که انضباط فراگیر شود، یکی از راه‌های نفوذ انحراف بسته می‌گردد و سطح امنیت اجتماعی در جامعه بالا می‌رود. جهت روشن‌تر شدن این موضوع، در ادامه به دو نمونه از احکام فقهی که تأثیر بسزایی در ارتقاء امنیت اجتماعی دارند اشاره می‌گردد:

الف) احکام پوشش

گسترش دامنه فحشا و ناامنی از پیامدهای بی‌حجابی است. هرچند عامل اصلی فحشا و فرزندان نامشروع منحصرأً بی‌حجابی نیست اما یکی از عوامل اصلی آن مسئله برهنگی و بی‌حجابی است. در آیات قرآن برای امنیت جامعه و جلوگیری از مزاحمت افراد هرزه، به زنان با ایمان دستور می‌دهد که بهانه‌ای به دست آن‌ها ندهند و با رعایت پوشش مناسب جلوی مشکلات بعدی را بگیرند و سپس آیات قرآن، مزاحمان را با شدیدترین تهدید بر سر جای خود می‌نشانند. با توجه به اهمیت این موضوع است که احکام نگاه کردن و چشم‌چرانی و حجاب بیان می‌شود.^{۴۲}

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا. به زنان و دختران خود و به زنان مؤمن بگو که خویشان را با چادرهای خود بپوشانند که این کار برای

آن است که آنها به عفت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت، آزار نکشند (در امنیت کامل باشند)؛ خداوند در حق خلق، آمرزنده و مهربان است^{۴۳}.

در نتیجه باید گفت، حجاب و پوشش اسلامی برای مردان و زنان، تنها از کارکرد فردی برخوردار نیست و فقط برای سامان دهی خلیات و ملکات نفسانی آدمیان، مؤثر نمی‌باشد، بلکه از کارکرد اجتماعی نیز برخوردار است؛ غرایز، التهاب‌های جسمی و معاشرت‌های بی بند و بار را کنترل نموده، بر تحکیم نظام خانواده می‌افزاید. همچنین از انحلال کانون مستحکم و پایدار زناشویی جلوگیری نموده و امنیت اجتماعی را فراهم می‌سازد.^{۴۴}

(ب) انجام عبادات مانند نماز و روزه

علیرغم پیشرفت‌های مادی اخیر، انسان امروزی بیش از گذشته در معرض ناامنی قرار دارد؛ زیرا گسترش زندگی صنعتی و ماشینی هرچند تا حدودی آسایش جسمانی انسان را به همراه آورده اما در مقابل آن، انواع و اقسام اضطرابات، دغدغه‌ها و نگرانی‌های روحی را به او هدیه نموده است، و این نیز نبوده مگر به خاطر اینکه دلبستگی به ظواهر تمدن امروزی او را از یاد خدا غافل کرده و در نتیجه این فراموشی یاد خدا، هم امنیت فردی و هم امنیت اجتماعی او به خطر افتاده است. از همین رو منابع دینی، همواره انسان‌ها را متذکر این معنا می‌گرداند که اگر طالب آسایش و آرامش هستید راهی جز روی آوردن به یاد خدا، فرا روی شما نیست: «الذین ءامنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله ألا بذكر الله تطمئن القلوب»^{۴۵}؛ هنگامی که دل و جان انسان در اثر یاد خدا به آرامش رسید به طور طبیعی جامعه‌ی بشری نیز از امنیت اجتماعی مطلوب برخوردار خواهد شد. قرآن کریم به منظور ایجاد روحیه به یاد خدا بودن، آدمیان را امر

به اقامه نماز فرموده است چرا که نماز مهمترین جلوه یاد خداست؛ «إِنِّی أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فاعبدنی و أقم الصلاة لذکرى»^{۴۶}؛ نماز را برای یاد من به پا دار. از سوی دیگر همانگونه که می‌دانیم، خداوند در آیه ۴۵ سوره مبارکه ی عنکبوت یکی از مهمترین آثار نماز را دور نمودن نمازگزار از «فساد و فحشا» ذکر می‌نماید و می‌فرماید: «همانا نماز از زشتی و منکر باز می‌دارد». در نتیجه انسان نمازگزار فردی است که گرد گناه نمی‌گردد؛ چرا که صبح و شام، با خدای خود در راز و نیازی عاشقانه است و حضور او را مستمراً درک می‌کند و چنانچه صحنه گناه پیش آید مرتکب آن نمی‌شود.

نماز نفس سرکش را مؤدب به آداب الهی و رعایت حقوق فردی و اجتماعی دیگران نموده و در نتیجه «امنیت اجتماعی» را در بالاترین سطح برای جوامع بشری به ارمغان می‌آورد. نماز، بنا به تصریح آیه‌ی شریفه‌ی «أَنَّ الصَّلاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^{۴۷}، انسان را از غیبت، دروغ، سرقت، قتل نفس، تجاوز به حریم خصوصی دیگران، رباخواری، زنا، چشم‌چرانی، تهمت، حرام‌خواری، قمار، شرب خمر و هر عملی که به نوعی منجر به تجاوز به حقوق دیگران و در نتیجه ایجاد اختلال در امنیت اجتماعی است برحذر می‌دارد. و درست به همین خاطر است که برای برقراری امنیت اجتماعی بهترین و مهمترین راه، اصلاح و بهینه‌سازی رابطه بین انسان و خداوند و تلاش در جهت آشنا کردن انسان‌ها با خالق خویش است و این امر ممکن نخواهد بود مگر از طریق اقامه‌ی نماز.

نتیجه‌گیری

فقه شیعه که از کتاب و سنت ریشه گرفته است، با فطرت انسان و نیازهای او سازگاری

و تناسب کامل دارد. فقه، مسیر زندگی واقعی انسان را که بر اساس مصالح و منافع واقعی و با اقتضای آفرینش پایه گذاری شده است، ترسیم می کند و بر این پایه است که فقه نیاز به امنیت را همانند دیگر نیازهای ضروری بشر در نظر گرفته است. از منظر منابع فقه شیعه، امنیت یکی از اهداف استقرار حاکمیت خداوند و خلافت صالحان است و از نعمت‌های بزرگ خداوند به هر جامعه‌ای است و جامعه‌ای که از چنین نعمتی برخوردار است باید همواره شکرگزار خداوند باشد که از چنین خیر بزرگی برخوردار است.

بدین منظور دین اسلام برای ایجاد این مهم، اصول و قوانینی را در چارچوب فقه مطرح می‌سازد تا در سایه سار آن امنیت و آرامش اجتماعی فراهم آید. آنچه از بررسی منابع فقهی جهت تحقق امنیت اجتماعی بدست می‌آید، وجود راهکاری تلفیقی از وظایف دستگاه‌های حاکمیتی و همچنین مسئولیت‌پذیری افراد جامعه می‌باشد. در این طرح، بعضی از وظایف بر عهده‌ی نهادهای حاکمیتی گذاشته شده‌اند، مانند تلاش در برقراری عدالت اجتماعی و اجرای حدود اسلامی و بعضی دیگر بر عهده‌ی تک تک افراد جامعه به عنوان شهروندان مومن و ملتزم به احکام شرعی، مانند انجام واجباتی که هرچند به ظاهر، صورتی فردی دارند اما در نهایت تأثیر بسزایی در ایجاد امنیت اجتماعی ایفا می‌نمایند. از سوی دیگر با توجه به این که امنیت اجتماعی مسئله‌ای همگانی به شمار می‌آید که بدون همکاری توأمان افراد جامعه و حاکمیت محقق نمی‌شود، مکتب فقهی شیعه، امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان وظیفه‌ای همگانی تشریع نموده است که از طریق آن، هم حاکمیت از طریق نهادها و سازمان‌های اجرا کننده مرتبط، و هم افراد جامعه به عنوان شهروندان مسئول در قبال احکام الهی در تحقق این مهم سهیم هستند.

لذا در نتیجه باید گفت، از منظر فقه، امنیت اجتماعی را باید در سایه برقراری عدالت اجتماعی، اجرای حدود الهی، امر به معروف و نهی از منکر (رعایت حرمت و حقوق انسانها، دفاع از مظلومان و محرومان، مبارزه با مفسدین و مجرمین)، و التزام به

احکام شرعی جستجو کرد.

منابع

- ❖ قرآن کریم
- ❖ نهج البلاغه
- ۱. آمدی، عبدالواحد، ۱۳۷۸ هـ.ق، *غرر الحکم و درر الکلم*، ترجمه: محمد انصاری، قم: انتشارات دار الکتاب.
- ۲. احمد بن فارس زکریا، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۴.
- ۳. امام خمینی، ۱۳۶۰، *تحریر الوسیله*، قم: انتشارات اسلامی.
- ۴. بیرو، آلن، ۱۳۷۰، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- ۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۷، *فلسفه حقوق بشر*، قم: اسراء.
- ۶. حرّ عاملی، ۱۳۷۵، *وسائل الشیعه*، تهران: المکتبه الاسلامیه.
- ۷. حکیمی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۷۷، *الحیاء*، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۸. حکیمی، محمد، ۱۳۷۰، *معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.
- ۹. خوانساری، جمال الدین محمد، ۱۳۶۰، *شرح غرر الحکم و درر الحکم*، به تصحیح سید جمال الدین اربویی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۰. صدوق، علی بن الحسین، ۱۳۷۸ هـ.ق، *عیون اخبار الرضا*، تهران: جهان.
- ۱۱. شیخ صدوق (محمّد بن علی بن موسی بن بابویه قمی)، *الخصال*، تصحیح علی‌اکبر غفاری.
- ۱۲. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، ۱۳۶۵، *مکتبه الامام امیرالمؤمنین (ع)*.
- ۱۳. فیض الاسلام، علی نقی، ۱۳۷۹ هـ.ق، *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، تهران: فقیه.
- ۱۴. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۵. عبدالکریم بن محمد یحیی قزوینی، ۱۳۷۱، *بقا و زوال در کلمات سیاسی امیرالمؤمنان (ع)*، به کوشش رسول جعفریان، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

امنیت اجتماعی از منظر فقه شیعه (مبانی و راهکارها) / ۵۳

۱۶. متقی هندی، علاءالدین، ۱۳۹۷هـ.ق، *کنز العمال فی السنن القوال و الافعال*، بیروت: مکتبه التراث الاسلامیه.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳هـ.ق، *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الاطهار*، بیروت: مؤسسه وفا.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*
۱۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*، تهران: صدرا.
۲۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، *مجموعه آثار*، ج ۱، تهران: صدرا.